

## خوانش ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس\* با استناد بر سفرنامه‌های قرن پنجم تا چهاردهم هجری قمری

نسیم عسگری<sup>۱</sup>، شهریار ناسخیان<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول)، محمدسعید ایزدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تخصصی مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، گروه مرمت بنا، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه مرمت بنا، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

<sup>۳</sup> استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۲

### چکیده

نگرش اسلامی و خاصه تفکر شیعی، قداست و کرامت هر عنصری را وابسته به ذات مقدس الهی دانسته و معتقد است هر چه بر این وابستگی افزوده گردد، آن عنصر درجه تقدس بالاتری خواهد یافت؛ به‌مانند اماکن مقدسه شهرهای زیارتی که در طول تاریخ، همواره مورد تکریم و مرکز تجمع تعداد کثیری از عبادت‌کنندگان بوده است. حال آنکه متأسفانه ضعف در شناخت متقن نسبت به مفهوم حریم مرتبط با این اماکن، منجر به برهم‌زدن یکپارچگی محیط پیرامونی و بالطبع از بین رفتن اصالت این بناها، گاه به‌بهبانه طرح‌های توسعه و گاه به‌منظور تسهیل امر معنوی زیارت، شده است. بی‌شک مذاقه در اسنادی نظیر سفرنامه‌ها که بتوانند حتی در یک چهارچوب کلی، بر بازنگری طرح‌های فوق‌الذکر و اقدامات جاری مرتبط با این اماکن سهمی داشته باشند، خالی از لطف نخواهد بود. بدین منظور پژوهش حاضر با هدف دستیابی به ساختار معنایی و کالبدی حریم اماکن مقدس، در صدد یافتن چسبندگی ابعاد دربرگیرنده این گستره بوده و از این حیث باتکیه بر روش تفسیری-تاریخی و رویکردی استنتاجی، به بررسی متون و تصاویر ۴۸ سفرنامه که در طی قرن‌های پنجم تا چهاردهم ه.ق به رشته تحریر درآمده‌اند، پرداخته است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که این اماکن به‌عنوان «نماد و شاخصه شهر زیارتی»، همواره «متماز از محیط پیرامون» خود و در عین حال با «انسجام یکپارچه» نسبت به آن، در تعامل با کاربری‌های مسکونی، تجاری، آموزشی و غیره با رعایت «سلسله‌مراتب فضایی» در یک نظام واحد شهری مستقر بوده است. نتیجه حاصل شده بیانگر بایستگی حرمت‌گذاری و حریم‌گذاری در دو بعد کالبدی و فراقالبدی و اذعان به حفظ تمامیت عناصر ملموس و ناملموس این گروه از میراث مذهبی، در طی بازه زمانی یادشده است. ساختار کالبدی حریم مکان‌های مذکور در سه مقیاس عرصه، منطقه حائل و حوزه مقدس تقسیم‌پذیر بوده، که خود نشانگر تک‌واحدی نبودن حرم‌های متبرکه در سطح شهر و نیز اثرگذاری سنت‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های مذهبی در شکل‌گیری ساختار معنایی حریم وابسته به آن‌ها است.

واژگان کلیدی: میراث مذهبی، مکان مقدس، حریم، عرصه، منطقه حائل.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نسیم عسگری، تحت عنوان «تدوین چهارچوب حفاظت از حریم مکان‌های مقدس کلان مقیاس شیعه با محوریت زیارت» است که به راهنمایی دکتر شهریار ناسخیان و دکتر محمد سعید ایزدی، در حال انجام است.

\*\* E-Mail: s.nasekhian@au.ac.ir

## مقدمه

از دیرباز مفاهیم و تعاریف گوناگونی در تبیین و توصیف مکان‌ها و عدم تجانس آن‌ها نسبت به یکدیگر وجود داشته است که تحت تأثیر نگرش‌های متفاوت فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی شکل یافته‌اند. این نوع نگاه در یک معیار کلی مکان‌ها را به دو دسته دارای تقدس و فاقد آن، تقسیم می‌کند، که خود این دو گروه نیز به زیر شاخه‌های متفاوت و متمایزی از یکدیگر تجزیه می‌گردند. از طرف دیگر درجه‌بندی تقدس در دسته‌بندی بناهایی که جزئی از میراث مذهبی بشمار می‌روند، به جهت ماهیت ساختاری و معنایی که در شکل‌گیری آنها دخیل بوده است، عملاً دارای گونه‌بندی غیر همسانی خواهد بود. در فرهنگ اسلامی و مذهب تشیع نیز زیارتگاه‌ها، حرم‌های ائمه اطهار و امامزادگان از چنین قداستی برخوردار بوده و همین امر منجر گردیده تا نوع برخورد با این اماکن نیازمند توجه به آداب و حرمت‌گذاری مضاعفی نسبت به دیگر فضاها و ابنیه تاریخی باشد. به موجب امر معنوی زیارت و افزایش روزافزون زائران، دور از انتظار نیست که «حریم» و بافت پیرامون این عرصه‌ها در طول ادوار گذشته دستخوش تغییراتی گردیده باشند.

این تقسیم فضا به مکانی برای زیستن و در کنار آن در نظر گرفتن جهت و سمتی برای نیایش کردن را شاید بتوان جزء قدیمی‌ترین طبقه‌بندی‌های زمین برداشت نمود (بمات، ۱۳۶۹: ۲۹) و از آنجا که «هویت یک مکان آمیزه‌ای خاص است از روابط اجتماعی» (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۳۳)؛ در اغلب اوقات هر چه ماهیت دو عرصه متفاوت‌تر باشد، تمایل به انفکاک آن‌ها از یکدیگر بیشتر و در نتیجه فاصله و مراتب بیشتری بین آن‌ها در نظر گرفته می‌شود (نوابی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۸). این امر بدون شک منجر خواهد شد، تا هر مکانی حصر در محدوده‌ای باشد که جزء لاینفک آن است و بنا بر ماهیت و کیفیت ساختاری و معنایی آن، به طور قطع نحوه و چگونگی نگرستن به حرمت‌گذاری در ارتباط با آن‌ها متفاوت‌تر خواهد بود.

در هر فرهنگی «تقسیم عمومی جهان به پدیده‌های قدسی و غیر قدسی از پایه‌های اساسی اندیشه دینی است» (ستاری فرد، ۱۳۹۴: ۱۴۸)، که یکی از بازتاب‌های آن را می‌توان در شکل‌گیری مکان‌های مقدس مشاهده نمود. مکان‌هایی که نحوه تقدیس هر کدام بدون تردید وابسته به فرهنگ و مذهب منتج شده از آن‌ها است. بر این اساس این گونه استنباط می‌شود که این مکان‌ها تظاهرات باورها و آرمان‌های بشری بوده که خود را در چهره‌ای با عملکردی مذهبی و در کالبدهایی نظیر معابد، حرم‌ها، عبادتگاه‌ها و شهرهای متبرک نشان می‌دهند. این مکان‌ها می‌توانند خود به لحاظ فرهنگی «از دیدگاه فردی، اجتماعی، ملیتی و حتی سازمان‌های بین‌المللی» (ICOMOS, 2008)، مطرح و مورد توجه قرار گرفته شوند.

به بیان دیگر مکان‌های مقدس تاریخی که جزئی از دارایی‌های ارزشمند یک جامعه به حساب می‌آیند، در مقیاسی کلان‌تر به عنوان

نقطه‌ای کانونی در جذب شماری از زائران، بازدیدکنندگان و گردشگران عمل نموده و انواع تجارب، رفتارها و شناسه‌هایی را بازگو می‌کنند (Levi and Kocher, 2011: 25). در همین راستا سفرهای اروپائیان و حتی ایرانیان به این مناطق در طول قرون گذشته، به مانند سایر فضاها و محوطه‌های تاریخی، همواره همراه یادداشت‌ها و گزارش‌هایی بوده که به تفصیل در ارتباط با آن‌ها برجای مانده است و با عنایت به آنکه میزان آگاهی، دانش شخصی، پیشینه شغلی، مدت اقامت، طبقه اجتماعی و اهداف هر یک از افراد از سفر خود متفاوت بوده، «بنابراین مطالب و نوشته‌های ارائه شده توسط آنان نیز گوناگون است» (فصیحی و طیبی، ۱۳۹۴: ۳۶). سفرنامه‌ها اگرچه نمی‌توانند خالی از اغراض شخصی یا صنفی باشند (علی صوفی و زاور، ۱۳۹۱: ۲۴)؛ اما مهمترین نقطه قوت آنها بازگویی «مشاهدات عینی است که یکی از معتبرترین شیوه‌های انتقال اطلاعات و معیاری برای سنجش گزارش‌ها و اخبار بشمار می‌رود» (حسین زاده شانه‌چی، ۱۳۸۹: ۵۳). نکته دیگر آنکه در بین این اسناد غالباً «گزارشگری محض» منجر به اجتناب از بیان برداشت‌ها و دیدگاه‌های شخصی شده است، که البته نباید این ویژگی را به کل نسبت داد؛ چرا که برخی نویسندگان «نه تنها به تحلیل و داوری مشاهدات خود پرداخته‌اند، بلکه گاه در نقل آن‌ها نیز جانب‌دارانه رفتار کرده‌اند» (فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۴۱). اما آنچه مسلم است، این اسناد بنا بر مواردی که به اجمال بیان گردید، می‌توانند در یک جامعه آماری وسیع، تاحدی در به تصویر کشیدن نمای کلی از یک مسئله راهگشا باشند.

باتوجه به کلیتی که به اختصار بیان گردید، این پژوهش با طرح این پرسش که کیفیت حرمت‌گذاری و حریم اماکن مقدس کلان مقیاس شیعه در شهرهای زیارتی مکه، مدینه، نجف، کربلا، کاظمین، سامراء، مشهد، قم، شیراز و ری تا پیش از طرح‌های توسعه و در محدوده زمانی قرن پنجم تا چهاردهم ه. ق به چه شکل و دربرگیرنده چه ابعادی بوده است؛ هدف خود را ترسیم و تبیین ساختار کالبدی و معنایی حریم مکان‌های مقدسه تعیین نموده است.

## پیشینه پژوهش

در ابتدا باید اذعان داشت تاکنون پژوهش مستقلی مرتبط با حریم مکان‌های مقدسه، آن‌هم با استناد بر اسناد سفرنامه‌ای، به نگارش درنیامده است. تحقیق‌های پیش‌ازاین یا معطوف به توصیف و تحلیل اماکن یادشده و شهرهای وابسته به آن‌ها از نظرگاه برخی از سیاحان اشاره شده در جدول شماره (۱) بوده‌اند و یا نگاه مختصری بر یکی از زوایای یادشده در این پژوهش داشته‌اند؛ که از این میان بخش عمده آن‌ها متعلق به شهر قم و حرم حضرت معصومه (س) (سروقدی، ۱۳۷۴؛ امیری، ۱۳۸۴؛ قاضیها، ۱۳۸۷)، بررسی آداب زیارت دوره قاجار (فاطمی، ۱۳۹۳) و سلسله‌مراتب تشریف به اماکن مقدس در دوره‌های صفوی و قاجار (دانشپور، بهزادفر، و رضایی ندوشن، ۱۳۹۶) بوده است.

پدیده‌ها به صورتی روایی و شیوه‌ای کل‌نگرانه انجام می‌پذیرد (ونگ، ۱۳۸۳: ۶۸)؛ لذا روش اتخاذ شده در این پژوهش دارای پارادایم کیفی و از نوع تفسیری-تاریخی است. در این راستا مسیر گردآوری داده‌ها، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مشاهدات اسنادی و مراجعه به روایات و تصاویر مندرج در سفرنامه‌های اخذ شده خواهد بود. با توجه به آنکه، نه به جهت موضوع و تعدد شهرهای انتخابی و نه به جهت کمیت سفرنامه‌های بازخوانی شده، پژوهشی در این راستا انجام نگردیده است، در ابتدا ۴۸ سفرنامه منتخب از ۹۷ سفرنامه‌ای که جهت استناد و تفسیر مورد بررسی و بازبینی قرار گرفته‌اند، به ترتیب دوره زمانی به‌عنوان جامعه آماری این تحقیق ارائه می‌گردد. (جدول شماره ۱)

در ارتباط با دیگر شهرها نیز می‌توان از جستارهایی که به بررسی حیات مذهبی شیراز عصر قاجار، پرداخته است (فصیحی و طیبی، ۱۳۹۴)؛ بررسی سفرنامه‌های حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و شهر ری (صادقی، ۱۳۸۲)؛ نقش سفرنامه‌های اروپایی در معرفی مذهب تشیع (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۹)؛ واکاوی روایت‌های کالبدی اروپاییان از مزارات و مقابر ایران و عراق (فلاح مهنه، ۱۳۹۰) و ذکر گزارش‌ها و توصیفات سفرهای زیارتی حج دوره قاجاری (علی‌صوفی و زاور، ۱۳۹۱)؛ یاد نمود.

## روش پژوهش

از آنجاکه در یک تحقیق تفسیری «کاوش پدیده‌های اجتماعی کالبدی در درون سیاق‌های پیچیده، با عنایت به توضیح آن

جدول شماره ۱: سفرنامه‌های مورد بحث در این پژوهش به ترتیب زمانی

نویسنده	ملیت	دوره تاریخی و بازه زمانی سفر	نام سفرنامه و توضیحات
ناصر خسرو قبادیانی ۳۹۴-۴۸۱ ق.	ایرانی	غزنویان و سلجوقیان	- توجه به عوامل محیطی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی در پیدایش شهرهای منطقه خاورمیانه
محمدبن احمدبن جبیر ۵۴۰-۶۱۴ ق.	اندلسی (اسپانیایی)	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۵۷۹ ق.	- سفرنامه ابن جبیر
ابن بطوطه ۷۰۳-۷۷۹ ق.	مراکشی	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۷۲۵ ق.	- سفرنامه ابن بطوطه
پیتر و دلاواله ۱۶۵۲-۱۵۸۶ م.	ایتالیایی	صفوی (شاه عباس اول) ۱۶۱۷ م. ورود به ایران	- سفرنامه پیتر و دلاواله
دن گارسیا دسپلوا فیگوئروا ۱۵۵۰-۱۶۲۴ م.	اسپانیایی	صفوی (شاه عباس اول) ۱۶۱۸ م.	- سفرنامه فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس - ترسیم وضعیت جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی
آدام اولتاریوس ۱۶۷۱-۱۶۰۳ م.	آلمانی	صفوی (شاه صفی) ۱۶۳۷-۱۶۳۶ م.	- سفرنامه آدام اولتاریوس
ژان باتیست تاورنیه ۱۶۸۹-۱۶۰۵ م.	فرانسوی	صفوی (شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان) ۱۶۶۸-۱۶۳۲ م.	- صراحت و صداقت در نگارش مشاهدات خود
ژان شاردن ۱۷۱۳-۱۶۴۳ م.	فرانسوی	صفوی (شاه عباس دوم و سلیمان اول) سه سفر به ایران در سال‌های ۱۶۶۵-۱۶۷۷ م.	- دائرةالمعارف تمدن ایران، سیاحت‌نامه شاردن - توجه ویژه به موضوع مذهب در ایران
ژان اوتر ۱۷۴۹-۱۷۰۷ م.	فرانسوی	افشاریه ۱۷۳۴ م.	- سفرنامه ژان اوتر (عصر نادرشاه)
کارستن نیبور ۱۸۱۵-۱۷۳۳ م.	آلمانی	زندیه (کریم‌خان زند)	- سفرنامه کارستن نیبور، سفر به عرب و مناطق حومه
جان لوئیس بورکهارت ۱۸۱۷-۱۷۸۴ م.	سوئیسی	حضور در مکه به جهت ادای مناسک حج، ۱۸۱۴ م. هم‌عصر دوران فتحعلی‌شاه قاجار	- سفرهای بورکهارت به سرزمین‌های جزیره العرب
لوئی امیل دوهوسه ۱۲۳۸-۱۲۳۶ ق.	فرانسوی	قاجار (فتحعلی‌شاه) ۱۲۳۸-۱۲۳۶ ق.	- مجموعه‌ای از نقاشی‌های لوئی امیل دوهوسه
جیمز بیلی فریزر ۱۸۵۶-۱۷۸۳ م.	انگلیسی	قاجار (فتحعلی‌شاه) ۱۲۶۹-۱۲۳۶ ق. (۱۸۲۱-۱۸۳۶ م.)	- سفر زمستانی، از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرها
الکس بارنز ۱۸۴۱-۱۸۰۵ م.	انگلیسی	قاجار (فتحعلی‌شاه و محمدشاه) ۱۸۳۱ م. به بعد	- سفر به ایران در عهد فتحعلی‌شاه قاجار
سلطان محمد سیف‌الدوله	ایرانی	قاجار (فتحعلی‌شاه و محمدشاه)	- سفرنامه مکه

نویسنده	ملیت	دوره تاریخی و بازه زمانی سفر	نام سفرنامہ و توضیحات
بارون فنودور کورف	روسی	قاجار (اواخر دورہ فتحعلی شاہ و آغاز دورہ محمدشاہ) ۱۲۱۳ ش. (۱۸۳۵-۱۸۳۴ م.)	- شرح آداب و رسوم ایرانی، خصوصاً مراسم ایام محرم
اوژن فلاندن ۱۸۰۹-۱۸۱۹ م.	فرانسوی	قاجار (محمدشاہ) ۱۲۲۰ ش. (۱۸۳۹-۱۸۴۱ م.)	- اوژن فلاندن بہ ایران - ارائه تصاویر بسیاری از شهرها و مناظر ایران
حاج علی خان اعتمادالسلطنہ ۱۲۲۲ - ۱۲۸۵ ق.	ایرانی	قاجار (محمدشاہ، ناصرالدین شاہ) ۱۲۶۳ ق. (۱۸۴۶ م.)	- سفرنامہ حاج علی خان اعتمادالسلطنہ
لیدی مری شیل	انگلیسی	قاجار (اوایل دورہ ناصرالدین شاہ) ۱۸۵۳-۱۸۴۹ م.	- خاطرات لیدی شیل: همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاہ
ژوزف آرتور دو گوینو ۱۸۱۶-۱۸۸۲ م.	فرانسوی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۸۵۸-۱۸۵۵ م.	- سه سال در آسیا، سفرنامہ کنت دو گوینو - دقت و علاقه ویژه در تنظیم و تحریر مشاہدات خود
نیکولای ولادیمیروویچ خانیکوف ۱۸۲۲-۱۸۷۸ م.	روسی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۲۷۵-۱۲۷۴ ق. (۱۸۵۸-۱۸۵۹ م.)	- گزارش سفر بہ بخش جنوبی آسیای مرکزی - نقشہ برداری و توصیف مبسوطی از شهر مشهد
ہینریش کارل بروگش ۱۸۹۴-۱۸۲۷ م.	آلمانی	قاجار (ناصرالدین شاہ) اولین سفر: ۱۸۵۹ - ۱۸۶۰ م. دومین سفر: ۱۲۷۸ ق. (۱۸۶۱ م.)	- سفری بہ دربار سلطان صاحبقران - در سرزمین آفتاب
علیرضا عضدالملک ۱۳۲۸-۱۲۳۸ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۲۸۵ ق. سفر بہ عتبات	- سفرنامہ عضدالملک بہ عتبات
ناصرالدین شاہ ۱۳۱۳-۱۲۴۷ ق.	ایرانی	قاجار ۱۲۸۷ ق. (۱۸۷۰ م.)	- سفرنامہ ناصرالدین شاہ بہ کربلا و نجف - سفرنامہ ناصرالدین شاہ بہ عتبات
کنل سی. ام. مک گرگور ۱۸۸۷-۱۸۴۰ م.	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۸۷۰ م.	- شرح سفری بہ ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان - ترسیم نقشہ شهر مشهد
کارلا سرنا ۱۸۸۴-۱۸۲۰ م.	ایتالیایی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۲۹۵-۱۲۹۴ ق. (۱۸۷۷ م.)	- آدمها و آئین ها در ایران، سفرنامہ مادام کارلا سرنا
یوشیدا ماساہارو ۱۸۵۲-۱۹۲۱ م.	ژاپنی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۲۹۸-۱۲۹۷ ق.	- سفرنامہ یوشیدا ماساہارو - شرحی از تاریخ، فرهنگ و زندگی مردم ایران
میرزا علی خان صفاءالسلطنہ نائینی ۱۲۴۶ - ۱۳۱۸ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاہ و مظفرالدین شاہ) ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ق.	- گزارش کویر، سفرنامہ صفاءالسلطنہ نائینی (تحفہ الفقرا) - حاوی اطلاعات دقیق و عمیق درباره تاریخ و جغرافیای
ژان دیولافوا ۱۸۵۱-۱۹۱۶ م.	فرانسوی	قاجار (ناصرالدین شاہ) در سال های ۱۸۱۱ م. و ۱۸۸۶-۱۸۸۴ م.	- ایران کلدہ و شوش
سمیوئل گرین ویلر بنجامین ۱۹۱۴-۱۸۳۷ م.	آمریکایی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۸۸۵-۱۸۸۲ م.	- ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاہ
میرزا محمدحسین فراهانی ۱۲۶۴ - ۴ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاہ)	- شرح مناسک حج و توصیف بناها و آثار تاریخی - نگارش در طی ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ ق. برای ناصرالدین
ہانری ہایندر ۱۸۵۵-۴ م.	فرانسوی	قاجار (اواخر دورہ ناصر) ۱۳۰۳ ق. (۱۸۸۶-۱۸۹۴ م.)	- ہانری ہایندر (کردستان، بین النہرین و ایران)
ادوارد گرانویل براون ۱۹۲۶-۱۸۶۲ م.	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۸۸۷ م. ورود بہ ایران	- یک سال در میان ایرانیان
محمدعلی پیرزادہ نائینی ۱۲۵۱ - ۱۳۲۱ ق.	ایرانی	قاجار (ناصرالدین شاہ و مظفرالدین شاہ) ۱۳۰۶-۱۳۰۴ ق.	- سفرنامہ حاجی پیرزادہ
جورج ناتانیل کرزن ۱۸۵۹-۱۹۲۵ م.	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاہ) ۱۳۰۷ ق. (۱۸۸۹ م.)	- ایران و قضیہ ایران

نویسنده	ملیت	دوره تاریخی و بازه زمانی سفر	نام سفرنامه و توضیحات
لیدی دوراند م. ۱۸۵۲-۱۹۱۳	انگلیسی	قاجار (اواخر دوره ناصری و اوایل دوره مظفری) ۱۳۱۶-۱۳۰۰ ق. (۱۸۹۴-۱۹۰۰ م.)	- سفر هیأت سرتی مور دوران وزیر مختار انگلیس در ایران (سفری پائیزی در ایران باختری) - وضوح و سادگی در بیان مشاهدات
جان ویشارد م. ۱۸۶۳-۱۹۴۰	آمریکایی	قاجار (ناصرالدین شاه تا احمدشاه) ۱۹۱۰-۱۸۹۱ م.	- بیست سال در ایران
چارلز ادوارد بیت م. ۱۸۴۹-۱۹۴۰	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه) ۱۳۱۳-۱۳۱۰ ق. (۱۸۹۳-۱۸۹۶ م.)	- خراسان و سیستان: سفرنامه کننل بیت به ایران و افغانستان - تشریح آداب و رسوم، خصوصاً مراسم‌های ایام محرم
محمدعلی سدیدالسلطنه ق. ۱۳۶۰ - ۱۳۹۱	ایرانی	قاجار (اواخر دوره ناصری و اوایل دوره مظفری) ۱۳۱۶-۱۳۱۴ ق.	- سدیدالسلطنه، التذقیق فی سیرالطریق - شرح مسافرت مؤلف از بندر بوشهر به ایران و عراق
پیر لوتی م. ۱۸۵۰-۱۹۲۳	فرانسوی	قاجار (مظفرالدین شاه) م. ۱۹۰۱	- به سوی اصفهان - انتشار در سال ۱۹۰۴ م.
میرزا سراج‌الدین بن عبدالرئوف بخاری م. ۱۸۷۷-۱۹۱۴	بخارایی	قاجار (مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه) ۱۲۸۱ ش. (۱۹۰۲ م.) ۱۲۸۸-۱۲۸۳ ش. (۱۹۰۴-۱۹۰۹ م.)	- تحف اهل بخارا
شین جو سوزوکی م. ۱۸۷۳-۱۹۵۷	ژاپنی	قاجار (مظفرالدین شاه) ۱۳۲۳ ق. (۱۹۰۵-۱۹۰۶ م.)	- پیاده‌گردی راهب بودایی ژاپنی در شمال و شرق ایران
سرپرسی مولزورث سایکس م. ۱۸۶۷-۱۹۴۵	انگلیسی	قاجار (ناصرالدین شاه تا احمدشاه) ۱۸۹۴ - ۱۹۱۳ م. بازدید از خراسان ۱۹۰۵-۱۹۱۳ م.	- ژنرال سرپرسی سایکس (ده هزار میل در ایران)
اوژن اوین م. ۱۸۶۳ - ۱۹۳۱	فرانسوی	قاجار (اواخر دوره مظفرالدین شاه) ۱۳۲۵-۱۳۲۴ ق. (۱۹۰۶-۱۹۰۷ م.)	- ایران امروز، ایران و بین‌النهرین - سبک نگارش تا حدی رسمی و اداری
هانری رنه دالمانی م. ۱۸۶۳-۱۹۵۰	فرانسوی	قاجار (مظفرالدین شاه و آغاز دوره محمدعلی شاه) م. ۱۹۰۷	- از خراسان تا بختیاری
کلود آنه (ژان شوپفر) م. ۱۸۶۸ - ۱۹۳۱	سوئیسی	قاجار (دوره مظفری و آغاز دوره محمدعلی شاه) ۱۳۲۵ ق. (۱۹۰۷ م.)؛ ۱۳۲۷ ق. (۱۹۰۹ م.)؛ ۱۳۲۸ ق. (۱۹۱۰ م.)	- گل‌های سرخ اصفهان، ایران با اتومبیل
فردریک چارلز ریچاردز م. ۱۸۷۸-۱۹۳۲	انگلیسی	پهلوی (سال‌های آغازین)	- سفرنامه فرد ریچاردز
هرمان نوردن م. ۱۸۸۰ - ؟	آمریکایی (انگلیسی‌الاصیل)	پهلوی (سال‌های آغازین)	- زیر آسمان ایران

مأخذ: نگارندگان

## چهار چوب نظری

اگرچه واژه شناخته شده‌ی «حریم» از قدیم‌الایام در علوم مختلف نظیر فقه و حقوق مورد استفاده قرار گرفته است، اما همچنان به جهت مفهوم، هم در لغت و هم در اصطلاح، یک معنای مستقل و خاص را دنبال نمی‌کند و تعابیر متنوعی حول محور آن دیده می‌شود (بشیری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). غرض از بیان مذکور آن است که در ابتدا یادآور شود در نوشتار حاضر، حریم «به فضای برونی چیزی گفته می‌شود که موضوع حرمت است» و سبب وجود اقداماتی خواهد شد که به تشخیص، تعیین و تحدید مکانی خاص انجامد (فلامکی، ۱۳۸۴: ۳۹). بااستنادبر این مطلب، عنایت ویژه به مسئله حریمی «که مانع تجاوز به حرمت یک موجودیت می‌شود» (دفتر فنی معاونت حفظ احواء، ۱۳۷۹: ۲۷)، در حفاظت از «میراث مذهبی» که به واسطه‌ی

«حیات ذاتی» خود از دیگر گونه‌های میراثی منفک می‌گردد (Wijesuriya, 2005: 31)؛ محرز می‌شود. در چنین رویکردی اولین نکته‌ای که می‌باید به آن پرداخته شود، چگونگی تأکید بر ضرورت حفاظت از حریم مکان‌های مقدس است، که می‌توان آن را به طرق مختلف در میان آثار مطروحه جستجو و مشاهده نمود. به‌طور نمونه تعدادی از سفرنامه‌نویسان به نهي اقدامات کالبدی انجام‌یافته در زمان بازدید خود و مذمت بی‌توجهی به حرمت این اماکن و تداخل فضاهای غیر مرتبط در محیط پیرامون آن‌ها پرداخته‌اند؛ از آن جمله توصیف وضعیت مسجدالحرام در ایام حج و تبدیل آن به بازاری بزرگ بود که به شرح گوینده‌ی آن «به‌قرار معلوم، مذموم (بوده) و نهي شرعی» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۲۸) داشته است. در نقطه مقابل، گروهی دیگر اشاره‌های مختصری بر اقدامات کالبدی در تعیین عرصه این اماکن

داشته‌اند، مانند «این حرم و صحن آن را دیواری احاطه کرده بود» - درارتباط با حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) - (ماساها، ۱۳۷۳: ۱۴۹-۱۵۰) و یا «برج و باروئی که دور آرامگاه حضرت علی را محصور کرده است، مانع از آن شد که در قرن گذشته، وهابیان مانند شهر بی‌دروپیکر کربلا، بتوانند بر مقدسات نجف نیز بی‌حرمتی کنند» (اوبن، ۱۳۶۲: ۴۰۲).

جایگاه و نقش ارزش‌های مذهبی جاری در فرهنگ بومی به‌عنوان مؤلفه‌ای اثرگذار بر حفاظت حریم ابنیه یادشده مورد دیگری است که در این راستا از میان متون مستخرج گردید؛ فی‌المثل آمده:

«چند مسجد از آجر پخته بنا شده‌اند و عالی‌ترین آن مساجد، مسجد شاه‌چراغ است که به واسطه عقیده مذهبی در حفظ آن بیشتر مراقبت شده است» (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۵۶).

و یا

«می‌گویند اهالی سخت‌گیر قم مانع استعمال زغال سنگ در شهر مقدس خود می‌باشند، با این عنوان که مصرف آن فضای حرم حضرت فاطمه را دودآلود خواهد کرد» (کرزن، ۱۳۷۳: ۶۱۸).

از دیگری مباحثی که در این خصوص به ذهن متبادر می‌شود، رعایت آداب شکل یافته از بایدها و نبایدهایی بوده که هنجارهای ورود به قلمرو ساحت قدسی را محصور و محدود می‌ساخته و حتی گاه در نحوه برخورد سایر موجودات نیز به رشته تحریر درآمده است. برای نمونه به حضور کبوترانی بر فراز آسمان مسجدالحرام اشاره شده که نه تنها بر بام کعبه نمی‌نشستند، بلکه بهنگام پرواز نیز از نزدیکی آن تغییر جهت می‌داده‌اند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۶؛ ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۱۳۵-۱۳۶). در همین ارتباط اوبن<sup>۴</sup> که در اواخر دوره مظفری از نجف بازدید کوتاهی داشته است، حکایتی را نقل می‌کند مبنی بر آنکه «به سال ۱۷۴ ه. ق. روزی از روزها که هارون‌الرشید به شکار رفته بود، در تعقیب غزالی به صحرای نجف رسید. حیوان به‌مجرد آنکه به قبر نامرئی نزدیک شد، اسب‌ها و تازی‌هائی که آن را دنبال می‌کردند، برای آنکه به حریم چنین پناهگاه مقدسی تجاوز نشود، در فاصله‌ای ناگهان توقف کردند» (۱۳۶۲: ۴۰۱). بی‌شک چنین نگاه حرمت‌آمیزی از سمت زائران و ساکنان بومی، بارها فراتر بوده است، آن‌گونه که در ارتباط با حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) ذکر شده «هیچ مسلمانی از آنجا نمی‌گذرد مگر آنکه مراتب احترام و وفاداری خود را نسبت به این مرقد نشان دهد» (سرن، ۱۳۶۲: ۲۰۴) و یا «وقتی که زائری بخواهد به مقبره داخل شود باید اسلحه را از خود دور کند و با پای برهنه از پله‌های سنگ مرمر بالا برود و در عین ورود به مقبره تعظیم نماید» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۵۵). در مواردی حتی به‌موجب حمل اسلحه به داخل این اماکن، اشاره‌ای به پرداخت جرایم سنگین و یا محاکمه‌های سختی چون اعدام نیز شده است (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۱۲۶).

ناگفته پیداست هنگامی که مکانی مقدس شناخته می‌شود، غالباً قوانینی وضع می‌گردد تا از تقدس زدایی و بی‌حرمتی به آن جلوگیری شود و همین امر در نمونه‌هایی به عدم دسترسی بازدیدکنندگان

به بخش‌هایی از آن‌ها می‌انجامد (دیگانس، ۱۳۹۲: ۵۳)؛ که البته بسته به دوره زمانی و تقدس مکانی بقعه متفاوت است. برای مثال این ممنوعیت در اوایل دوره قاجار لزوماً در تمامی اماکن مقدسه مرسوم نبوده و فی‌المثل در بازه‌ی زمانی حکومت فتحعلی‌شاه قاجار در ارتباط با مجموعه‌ی رضوی، فقدان چنین ممنوعیت‌هایی (فریزر، ۱۳۶۴: ۳۰۴)؛ مشاهده شده است. حال آنکه مجدداً از دوره ناصری به بعد وضع به همان روال سابق برگشته و نقل قول‌هایی در ارتباط با ممانعت از حضور سفرنامه‌نویسان غیرمسلمان به مجموعه رضوی (مک‌گور، ۱۳۶۶: ۲۵۰؛ سایکس، ۱۳۳۶: ۲۹)، حرم حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) (سرن، ۱۳۶۲: ۱۴۵؛ لوتی، ۱۳۷۲: ۲۵۷؛ آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۲-۲۰۱)، مجموعه شاه‌عبدالعظیم (براون، ۱۳۸۱: ۱۸۹) و مجموعه کاظمین (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۵۲)؛ شاهدهی بر آن ادعا است. آنچه از فحوای توصیفات فوق مستفاد می‌گردد، اثرگذاری مستقیم و یا حتی بی‌واسطه‌ی کیفیت حرمت‌گذاری اماکن مقدسه مذکور بر «چگونگی‌های شکلی و کمی یا مقداری و یا اندازه‌ی این مکان‌ها» (فلامکی، ۱۳۹۱، ۲۶۵) است؛ که در ادامه به‌اجمال به آن‌ها پرداخته می‌شود.

### عرصه، منطقه حائل و حوزه مقدس

به‌منظور دستیابی به چگونگی ساختار کالبدی حریم اماکن مورد بحث، ابتدا تفصیل مشاهداتی که مقیاس‌های مختلف حوزه‌های مکانی وابسته به آن‌ها را احصاء نموده است، تشریح می‌گردد. بورکهارت<sup>۵</sup> در مقیاسی فراگیر پس از بسط جغرافیای مدینه، محدوده‌ای را با نام «منطقه حرام شهر» مطرح ساخته و خاطر نشان کرده است این حریم در گرداگرد شهر، «به مسافت دوازده میل<sup>۶</sup>، حوزه و محدوده مقدسی را شکل می‌دهد که باید همه مردم احترام آن را پاس داشته و از خونریزی، صید پرندگان و بریدن درختان خودداری نمایند (الخیاط، ۱۳۷۵: ۱۵۶-۱۵۷).

مسئله مزبور با ذکر جزئیات مفصل‌تر، به ابعاد وسیع تحت شرح محدوده پیرامونی حرم رضوی به‌عنوان «محل‌ای مقدس» که با حصار در دوره ناصری محصور بوده، معرفی و بدین سان نگارش شده است:

«غنی‌ترین بازارها، کاروانسراها، و مشهورترین حمام‌ها و بالاخره مدرسه‌هایی که از موقوفات بیشتری برخوردار است، در این بخش از شهر قرار دارند. در مرکز آن بقعه [...]، در جنوب آن مسجد گوهرشاد قرار دارد، بقیه منطقه را منازل خصوصی و مؤسسه‌های عمومی مانند خسته‌خانه‌ها، دارالایتام‌ها و منازل خادمان و مدرسه‌ها و ... فرا گرفته است. محل‌ه مقدس نوعی حکومت در حکومت است» (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۱-۱۱۰).

پس از آن، توصیف «بست»‌ها و جلوخان‌ها در مقیاس کوچک‌تری به‌میان آمده و اذعان گردیده «کلمه بست در ایران تحکم‌آمیزترین کلمات بشمار می‌رود و مفهوم آن، که فرمان دنیای مسلمان به دنیای غیر مسلمان است، یعنی از اینجا با فراتر نگذارید» (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۸۰-۲۷۹)؛ لذا «در این نوع امکان هیچکس حتی شاه هم نمی‌تواند

سلام»، اذعان می‌دارد که «از این تپه، شهر مشهد با گنبد مقدس امام نمایان» (صفاء السلطنه نائینی، ۱۳۶۶، ۱۰۶) است.

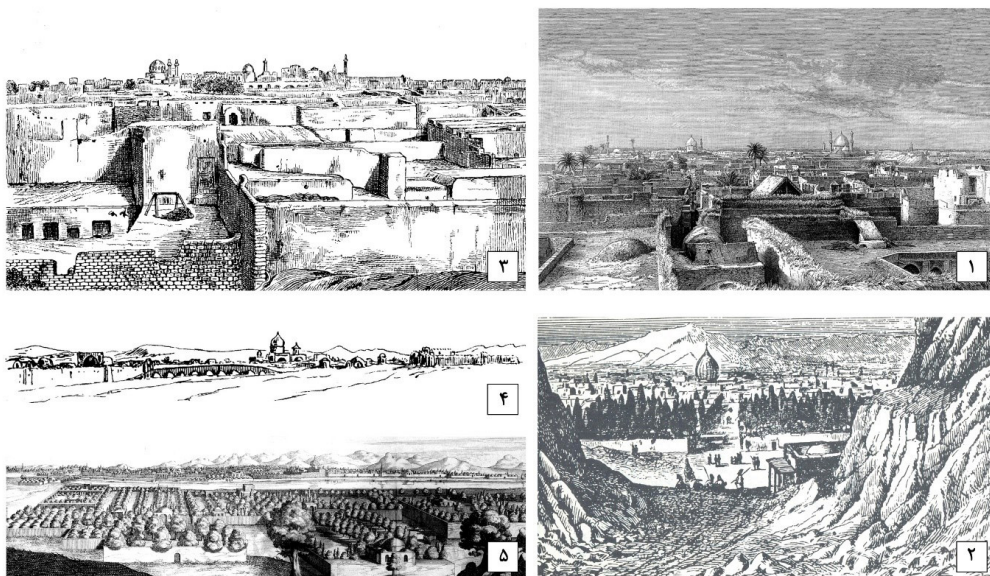
آنچه گفته شد برای روشن کردن این مضمون است که اهمیت چشم انداز بقعه مقدس وابستگی شدیدی به مکان مشاهده‌شونده، ویژگی‌های کالبدی آن و تمامی عناصر پیش‌زمینه و پس‌زمینه‌ای دارد که دورنمای آن منظر را دربر گرفته است (Gopalakrishnan and Tadepalli, 2014: 193). افزون بر این، از آن جهت که بخش عمده تقدس جاری در یک منظر، فراکالبدی است؛ لذا باید بدون وابستگی به ادراک‌هایی که تحت تأثیر حواس مادی شکل می‌یابند نیز قابل شهود و دریافت باشد (Niglio, 2018: 1).

باتکیه بر گفتارهای ثبت‌شده سیاحان (جدول شماره ۲)، منظر قدسی از ارکان اصلی شکل‌گیری نقشه ساختار ذهنی زائران بوده است؛ به نحوی که مسیرهای اصلی در تصویر ذهنی آن‌ها از مرکز تاریخی شهر که دربرگیرنده حرم و نواحی اطراف آن بوده آغاز می‌گردیده (کلاتری خلیل آباد و همکاران: ۱۳۹۳، ۴۱) و اولین توصیفات خود را حتی پیش از رسیدن به آستانه‌ی شهر، به چشم‌اندازی که نمایان‌گر هویت مذهبی و زیارتی آن شهر بوده، اختصاص می‌داده است. حضور این ابنیه علاوه بر آنکه به‌عنوان نماد و شاخصه شهری تلقی گردیده (تصویر شماره ۱)، موجب «ارتقای ظرفیت‌های معنوی و تأثیرات متقابل عملکردی، اجتماعی، کالبدی و... با بافت پیرامونی خود» شده است (میتاچی و روحانی قادیکلانی، ۱۳۹۳، ۹۰). درهم آمیختگی با عناصر طبیعی، از دیگر مواردی است که حتی در محدوده عرصه و حریم درونی این اماکن قابل مشاهده بوده است، چنان‌که فی‌المثل آمده «دست طبیعت مقبره امامزاده صالح را به چناری عجیب آراسته و مزین کرده است که مورد ستایش تمام مردم ایران است و این واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت» (کورف، ۱۳۷۲: ۲۱۴). (جدول شماره ۲) و (تصویر شماره ۱).

متعرض جانی شود [...] زیرا در چنین صورتی به امکان مقدسه اهانت نموده‌اند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۰-۳۹). کلود آنه<sup>۷</sup> در کتاب «اوراق ایرانی»، تمام محدوده‌ی وابسته به حرم را جزء قلمروی بست به حساب آورده و عنوان می‌دارد «محل آرامگاه را بست یعنی پناهگاه می‌نامند و گرداگرد آن را زنجیر کشی کرده‌اند» (قصایان، ۱۳۷۷: ۲۳۰). چنین گفتارهایی از حرمت‌گذاری‌های کالبدی در محوطه پیرامونی - که در پژوهش حاضر «منطقه حائل» نامیده می‌شود - غالباً در ارتباط با اماکن متبرکه که شهرهای مشهد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۶۲۲؛ عبدالرئوف بخاری، ۱۳۶۹: ۱۶۴؛ بارنز، ۱۳۷۳: ۵۹؛ بیت، ۱۳۶۵: ۳۰۲؛ ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۸۰-۲۸۱)، قم (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۴۵؛ دوران، ۱۳۴۶: ۳۱) و ری (لوتی، ۱۳۷۲: ۲۶۱؛ شیل، ۱۳۶۸: ۱۳۵) به ثبت رسیده است.

### منظر قدسی

منظر مقدس بخش بی‌واسطه‌ای از مناظر فرهنگی است، چنان‌که فعالیت‌های فرهنگی در دو بُعد ملموس و ناملموس جاری در ساحت قلمرو دینی، گونه‌های مختلفی از میراث مذهبی و جنبه‌های آن را نظام می‌بخشد (Kumar & Singh, 2017: 4). از این حیث منظر مقدس شهری را نمی‌توان بی‌توجه به چگونگی و نقش باشکوهی که اماکن مرتبط با آن در چشم‌انداز شهر ایفا می‌کنند، به‌درستی ادراک نمود. به‌عبارت‌دیگر این منظر نه فقط دربرگیرنده یک محدوده و فضای جغرافیایی است؛ بلکه به‌عنوان یک زایش‌گر فرهنگی که نقش بسزایی در ثبت مکان‌های شاخص با ارزش‌های مذهبی و اجتماعی دارد، عمل می‌کند. بر این اساس علی‌رغم آنکه در سیر حرکت از خارج شهر به طرف مکان مقدس، فضا به تدریج از درجه تقدس برخوردار می‌شود (کمیلی، ۱۳۹۸، ۲۰)؛ اما نشانه‌های تفکیک مکانی فی‌مابین شهر و فضای پیرامون و خارج از آن، عملاً در زمره عناصر منظر قدسی شهر محسوب می‌شود، برای مثال هوش شیندلر<sup>۸</sup> در سفرنامه خراسان، ضمن اشاره به مکانی در محدوده شهر مشهد با نام «تپه



تصویر شماره ۱: منظر قدسی به روایت سفرنامه‌ها: ۱- دورنمای کربلا از فراز بام خانه‌های مسکونی، ۲- شیراز از دروازه قرآن، ۳- مشهد از فراز بام منازل، ۴- قم و حرم حضرت معصومه (س) از حاشیه رودخانه، ۵- شهر قم، که در پس‌زمینه آن حرم و در مقابل باغات مشاهده می‌گردد. مأخذ: (Dieulafoy, 1887: 629)، (بروگش، ۱۳۶۷: ۴۷۱)، (مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۲)، (دوهوسه، ۱۳۵۴: ۹۸) و (شاردن، ۱۳۳۶: ۱۶۵).

جدول شماره ۲: توصیف منظر مقدس شهرهای زیارتی، به ترتیب زمان بازدید

گزاره‌های استخراج شده	متون و مضامین قرائت شده
مدینه - وضوح حوزه مقدس - نماد و شاخصه شهر	از مسجد ذی الحلیفه تا «تأ مزار حمزه و تأ قباء جزء منطقه حرم مدینه محسوب می‌شود. نخستین چیزی که از این فاصله به نظر می‌رسد مناره سپید بلند مسجد مدینه است» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۲۳۶). گنبد مطهر «از فاصله بسیار دور قابل دیدن است» (الخیاط از بورکهارت، ۱۳۷۵: ۱۵۳-۱۵۴).
سامراء - نماد و شاخصه شهر	«دو فرسخ مانده به شهر، گنبد مطهر عسکریین علیهم السلام نمایان شد» (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲: ۳۷۳).
نجف - نماد و شاخصه شهر	از فاصله دور گنبد عظیم زینبی را مشاهده نمودم. «گفته می‌شود چنانچه هوا صاف و بی‌غبار باشد این گنبد مقدس سه روز قبل از رسیدن زائرین راه به شهر نجف رویت می‌شود» (نوردن، ۱۳۵۶: ۹).
ری - نماد و شاخصه شهر - هم‌پیوند با منظر طبیعی	«از دور محل ری را تشخیص دادم. «سپس شاه‌عبدالعظیم را دیدم که گنبد طلایی آن در وسط سبزی‌کاری‌های زیبایی که این شهرک خوش منظره را فرا گرفته است می‌درخشید» (دو گوینو، ۱۳۸۳: ۱۹۴). گنبد طلایی زیارتگاه عبدالعظیم «از فواصل دور مخصوصاً در زیر اشعه خورشید می‌درخشد و زائرین را به سوی خود می‌خواند» (بروگش، ۱۳۶۷، ۱۹۳)؛ «نزدیک شدن به تهران را به ما نوید می‌داد» (ماساهاو، ۱۳۷۳: ۱۵۵)؛ «چشم را خیره می‌کند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۴) و «در مقابل دیدگان مسافری که از غرب به تهران نزدیک می‌شود، منظره‌ی بسیار جالب و زائداالوصفی پدید می‌آورد» (براون، ۱۳۸۱: ۱۸۹).
مشهد - متمایز از محیط پیرامونی - هم‌پیوند با منظر طبیعی - نماد و شاخصه شهر	«در پایین، در میان سبزی‌ها و درختانی که از آب‌های جاری از توجال سیراب می‌شوند، مناره‌های کاشی‌پوش و گنبد طلایی شاهزاده عبدالعظیم مشاهده می‌شود» (اوپن، ۱۳۶۲: ۲۷۱). «همه‌جا پر است از خانه‌های گلی یکنواخت [...] اگر حرم امام رضا (ع) را که به منظره شهر جلوه‌ای می‌بخشد، مستثنی کنیم چیزی به جز صف بلندی از دیوارهای گلی و چند درخت بلند، در طول خیابان مشاهده نمی‌شود» (مک گرگور، ۱۳۶۶: ۲۵۱-۲۵۲). «خیابانی که در آن قدم گذاشتیم عریض و زیبا بود و از وسط آن نهر آبی می‌گذشت که دو طرفش در زیر سایه درختان قرار داشت و گنبد باشکوه و مناره‌های طلاپوش حرم امام رضا (ع) چشم‌انداز انتهایی این خیابان را تشکیل می‌داد» (بارنز، ۱۳۷۳: ۵۷). «در نه میلی مشهد، برفراز بلندی که به آن تپه سلام می‌گویند، رسیدیم. تپه سلام محلی است که مسافرانی که به قصد زیارت به مشهد می‌آیند، اولین منظره را از این شهر و گنبد طلایی حضرت رضا در پیش‌رو می‌بینند» (بیت، ۱۳۶۵: ۳۹۲). در واقع «به غیر از آستانه که گنبد طلایی و مناره‌های آن از دور قابل رؤیت است در شهر بنای قابل ملاحظه دیگری به چشم نمی‌خورد» (همان: ۳۰۲). «گنبد طلایی زیبای مشهد از دور مثل شعله آتش می‌درخشید و ما را به وصول این شهر تاریخی نوید می‌داد» (سایکس، ۱۳۳۶: ۲۹). در حوالی مشهد «پس از عبور از باغ‌های محصور به دشتی رسیدیم و برای آخرین بار نظری به پشت انداختیم و گنبد آستانه را که با درخشندگی خاصی جلوه‌گری می‌کرد تماشا کردیم» (دالمانی، ۱۳۳۵، ۶۴۴).
قم - متمایز از محیط پیرامونی - نماد و شاخصه شهر - هم‌پیوند با منظر طبیعی	یکی از حکام «نزدیک شهر بنای مجللی را به سفیر نشان داد که از دور بهترین و باشکوه‌ترین ساختمان شهر می‌نمود» (فیکوئروا، ۱۳۶۳: ۲۵۳). «در ظاهر توانستیم از لای هوایی کدر نقطه درخشانی را ببینیم. این گنبد طلایی قم بود که از دور به مسافتی بعید دیده می‌شد» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۲). «در در دست بام‌های مخروطی شکل مقابر شیوخ نمایان است و در طرف چپ، باغ‌های قشنگی مقبره حضرت فاطمه را احاطه کرده‌اند» (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۱۹۷). «دورنمای قم به معنی واقعی کلمه از فاصله چند میلی» به واسطه نمایان بودن گنبد زیارتگاه این شهر آشکار است (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۹۴). «در بیچ هر کوچه دورنمای گنبد حضرت فاطمه (س) به نظر می‌رسد» (کرزن، ۱۳۷۳: ۷). «بنائی عظیم و گنبدی زرانود، نشانه‌هایی از شهر است که از تمام جهات به چشم می‌خورد و به زائر مژده می‌دهد، که شهر نزدیک است» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۱۳۲). هنگام ظهر «در نقطه‌ای بس دور جسم درخشنده‌ای را در بالای افق مشاهده می‌کنیم. [...] فردی با دست آن نقطه را نشان می‌دهد و می‌گوید «قم». پس «آن شبی نورانی حتماً گنبد طلایی مشهور است که در برابر آفتاب نیمروز می‌درخشد و مانند فانوسی روشن است که آن را در وسط روز افروخته باشند تا کاروان‌هایی را که در بیابان راه می‌پویند، راهنمایی کند» (لوتی، ۱۳۷۲: ۲۵۳). از کاشان به قم «به پاسنگان رستم و پس از طی مسافتی چند به قم رسیدیم و از مشاهده گنبد طلایی آن که از دور نمایان است لذت فوق‌العاده‌ای بردم» (سایکس، ۱۳۳۶: ۱۸۹). «همسفران خود را دیدم که در روی بام به نقاشی مقبره حضرت فاطمه که از دور نمایان بود اشتغال داشتند» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۰۹۰). «به رودخانه‌ای رسیدیم که در آن سوی آن حرم مقدس، در پشت ساختمان‌های کوتاهی که در کرانه رود بنا شده بود، قرار داشت» (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۱). «گنبد طلایی باشکوه مرقم مطهر حضرت معصومه فرسنگ‌ها قبل از ورود به شهر نمایان است و رؤیت این گنبد حتی برای غیر مسلمانان حالتی توأم با احترام بوجود می‌آورد. زیارت کنندگان مسلمان به محض رؤیت گنبد مقدس سر سجده بر خاک می‌نهند» (نوردن، ۱۳۵۶: ۱۲۵). «بزرگ‌ترین گنبد در شیراز که از همه آن‌ها بلند و کشیده است گنبد شاه‌چراغ است که در حوالی ارگ واقع شده است» (کرزن، ۱۳۷۳: ۱۲۶).
شیراز - متمایز از محیط پیرامونی	

مأخذ: تحلیل نگارندگان



## هم‌جواری‌ها و محیط پیرامونی

به‌طور قطع هربار موضوع حریم‌گذاری بر بنا یا محوطه‌های ارزشمند به میان می‌آید، در مرحله نخست توجه به خود بنا و یا مجموعه‌های معماری و شهری، و در کنار آن مکان یا گستره فراگیر مرتبطش، لازم و ضروری است (فلامکی، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۸). البته باید یادآور شد که «منظور از محیط پیرامونی، محیط به مفهوم جامع آن که دربردارنده شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی طبیعی بوده، می‌باشد» (حکمتی، ۱۳۸۱، ۲۶۱). تقدس یک مکان، تنها به جذابیت بنای خاصی وابسته نیست، بلکه می‌تواند با ارائه‌ای نمادین به ظهور رسد. بنابراین، تقدس در داخل شهر اسلامی به شکل متمرکز و جداگانه ظاهر نمی‌شود، که می‌تواند بر تمامیت شهر گسترش یافته و ساختاری همگن سازد (Bianca, 2000: 33-35). برای مثال «این فضای والا و متعالی که در مکه واقع است، معرف نظامی از اصول و ارزش‌ها و معیارهای مشخص و دقیق بوده که بر شهر مسکونی منطبق شده است» (بمات، ۱۳۶۹: ۱۰). نقل صریح

سفرنامه‌نویسان نیز حکایت از قداستی ذاتی داشته که دربرگیرنده تمامیت محدوده پیرامون این اماکن بوده و در طی سال‌های متمادی به واسطه فرهنگ مردمان آن ناحیه، به حیات خود ادامه داده است؛ به نحوی که در ارتباط با حرم حضرت معصومه (س) ذکر شده «این حریمی که من نگاه بی تفاوت خود را بر گنبد زرین آن دوخته‌ام قرن‌هاست برای ایرانیان زیارتگاه مقدسی شمرده می‌شود» (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۱). چنین توصیفات در ارتباط با سایر اماکن به گونه دیگری نقل گردیده است و می‌توان به عباراتی چون «کاظمین یکی از امکنه مقدسه‌ای است که ایرانیان به زیارت آن می‌آیند» (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۵۲) و یا «کربلا نه فقط از برای ایرانیان زیارتگاه است بلکه زمینش را زمین مقدس و محترم می‌دانند» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۴۶۱)؛ اشاره داشت. علاوه بر آن، سخن از این قداست غالباً یادآور امنیتی است که از دیدگاه ساکنان و زائران در این اماکن وجود دارد: «هیچ مکان مقدسی برای تهرانی‌ها، امن تر از مزار شاه‌العظیم نیست» (اوبن، ۱۳۶۲: ۲۷۱). (جدول شماره ۳) و (تصویر شماره ۲)



تصویر شماره ۲: کیفیت گستردگی شهرهای زیارتی نسبت به محل استقرار اماکن مقدسه:  
 ۱. مکه، سال ۱۲۲۹ ه.ق، ۲. شهر مدینه، سال ۱۲۲۹ ه.ق، ۳. شهر نجف، دوره زندیه.  
 مأخذ: (Ibid, Vol.2: 145). (Burckhardt, 1829, Vol.1: 185) و (Niebuhr, 1780: 210b)

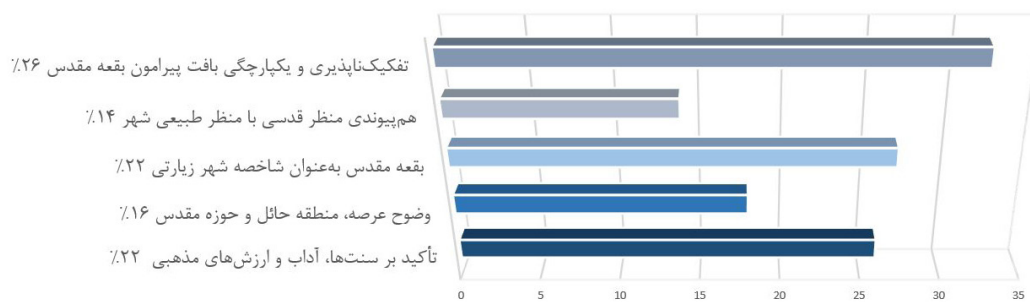
جدول شماره ۳: توصیف هم‌جواری‌ها و ساختار شهر مکان مقدس، به ترتیب زمان بازدید در هر شهر

گزاره‌های استخراج شده	متون و مضامین قرائت شده
مکه - محاط شده به واسطه کوه‌ها - ارتفاع بلند خانه‌ها - خانه‌ها مشرف به حرم - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - هم‌پیوند با طبیعت - وجود فضاهای اقامتگاهی - ساختار شهر دارای نظم هندسی - شهر دارای حصار - حرم در مرکز شهر - بافت شهری متراکم	شهر مکه در میان کوه‌ها واقع شده، به طوری که «گردگرد مسجدالحرام شهرست و کوجه‌ها و بازارها» (قبادیانی، ۱۳۳۵: ۸۶).
	«مکه شهری است که خداوند آن را در میان کوه‌هایی که پیرامونش را گرفته است قرار داده است» (ابن جبیر، ۱۳۷۰: ۱۴۸). «تمام خانه‌های مکه بامهایی بلند دارند» (همان: ۱۸۹).
	«بامهای خانه‌های اطراف و پنجره‌های آن خانه‌ها مشرف بر حرم می‌باشد به طوری که ساکنین آن‌ها همواره چشم بر خانه خدا دارند» و از بعضی در مخصوصی به حرم باز می‌شود (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۸۲). «کوه ابوقیس مشرف بر مسجدالحرام و تمام نواحی دیگر مکه است و از فراز آن زیبایی و وسعت حرم و کعبه را به خوبی می‌توان تماشا کرد» (همان: ۱۸۶).
	شهر توسط کوه‌های اطراف محصور گشته و فاقد سه‌حصاری است که در گذشته آن را احاطه کرده بوده‌اند. خانه‌هایی با ارتفاعی در حدود سه طبقه، که بخش عمده‌ای از خانه‌ها به جهت اسکان حجاج و پذیرایی ساخته شده است (الخیاط از بور کهارت، ۱۳۷۴: ۱۴۲).
	«بعضی از عمارات دو سمت شهر که متصل به مسجد است، پنجره‌ها رو به مسجد دارد. اکثر خانه‌ها که در دامنه کوه و بلندی‌ها واقع است، از مسجد نمایان است» (سیف‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱۳۰).
	کوجه، بازار و ابنیه‌های این شهر، «بسیار منظم و معمور است. این شهر مقدس به سه باروی تودرتو محاط و محفوظ، و در وسطش حرم شریف واقع است» (اعتاماد السلطنه، ۱۳۷۹: ۱۱۷).
	شهر در میان دره‌ای است و «خانه‌های آن از یک مرتبه الی چهار پنج مرتبه و کوجه‌های شارع آن که اغلب محل عبور است، وسیع و کوجه‌های دیگر بسیار تنگ است» (فراهانی، ۱۳۶۲: ۱۹۵).

متون و مضامین قرائت شده	گزاره‌های استخراج شده
شهر دارای برج و باروی مستحکمی بود، که نخستین بار در سال ۳۶۰ ق. بنا گردید. معمولاً خانه‌ها دو طبقه است. خیابان اصلی شهر از دروازه به سوی حرم می‌رود که در آن بیشترین تعداد مغازه‌ها و فروشگاه‌ها را می‌توان یافت. حرم در بخش شرقی شهر قرار گرفته است (الخیاط از بور کهارت، ۱۳۷۵: ۱۴۷-۱۵۰).	مدینه - شهر دارای حصار - خانه‌ها دو طبقه - عدم قرارگیری حرم در مرکز شهر
وارد قلعه شدیم و پس از عبور کوچه‌های تودرتو از طریق یک محوطه که وسعت آن نسبت به آن کوچه‌ها نمایش یک میدان وسیع داشت وارد صحن مقدس شدیم (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۹۷).	سامراء - محاط در حصار - بافت متراکم مسکونی - وجود بست و مفصل در جنب حرم
«بعد از عبور از چند بازار به بازار عطاران رسیدیم که آخر آن باب حضرت است.» (روبه روی مقبره، مدارس و زوایا و خانقاه‌هایی قرار دارد که دایره و پُررونق می‌باشد) (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۱۹).	نجف - بازار منتهی به حرم - هم‌جواری با فضاهای آموزشی و مذهبی - هم‌پیوند با طبیعت - شهر محاط در حصار - بافت فشرده و متراکم مسکونی - مکان مقدس، هسته اولیه شهر - حرم در مرکز شهر - حرم دارای حریم کالبدی - وجود بست و مفصل - پیوستگی بازار و زندگی شهری با حرم - رعایت سلسله مراتب فضای - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - عدم اشراف مستقیم خانه‌ها به فضای داخلی حرم
«مرقد مطهر را در قصبه‌ای که در جلگه وسیع و گسترده نجف است ساخته‌اند» (اوتر، ۱۳۶۳: ۶۶).	
اطراف شهر «به یک قلعه استوار که چهل برج دارد محاط است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۱۲۲).	
«از میان بازار به درب صحن مقدس آمدیم» (عضدالملک، ۱۳۷۰: ۱۳۹).	
قلعه شهر بسیار محکم است. داخل دروازه میدانی است که از آن «تادرب صحن مقدس راسته بازار وسیع مسقف است» [...] در انتهای بازار وارد صحن شدیم» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۵۲-۱۵۱).	
نجف داری خانه‌هایی دو مرتبه، حیاط‌ها و کوچه‌های تنگ می‌باشد. به علت اینکه در گذشته حصار نداشته، مورد هجوم واقع می‌شده است. در زمان فتحعلی شاه قاجار، حصار دور شهر کشیده شد، که بسیار محکم و دارای سه دروازه است (پیرزاده، ۱۳۴۵: ۳۴۴-۳۴۵).	
شهر منحصرأ به خاطر این مرقد که در دست در قلب شهر و در انتهای بازار قرار دارد؛ به وجود آمده است. «چهار در به داخل حیاط حرم راه دارد. در اصلی که به اسم در بازار معروف است، به میدان کوچکی بازمی‌شود که پراز بساط صرافان، قهوه‌خانه‌ها، و دکان‌ها است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۴۰۲-۴۰۳).	
شهر دارای کوچه‌های باریک و پُریچ و خم است. خانه‌ها «به طوری فشرده در کنار هم قرار داشتند که نشان می‌داد ساکنین سعی داشته‌اند تا حد امکان خود را نزدیکتر به جوار اماکن متبرکه و مساجد سکنی دهند». یکی از منازل سه طبقه و نسبت به سایر خانه‌ها خیلی مرتفع به نظر می‌رسید. صبح روز بعد من از بام آن، به تماشای شهر پرداختم، گرچه حرم در هم‌جواری بود اما دیواری به شکل سنگر بر بام بنا شده بود که حتی مرا از انداختن نیم‌نگاهی به داخل صحن منع می‌نمود. اما گنبد و چهار مناره با درخشش چشمگیری پیش‌روی من قرار داشتند (نوردن، ۱۳۵۶: ۹-۱۱).	
«خانه‌ها را روی هم ساخته‌اند.» شهر دارای کوچه‌های تنگ است. برای زیارت حرم حضرت عباس (علیه السلام) «یک راسته بازار تنگ بدی است، الی دم صحن» (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۲: ۱۱۵).	کربلا - بافت فشرده و متراکم مسکونی - بازار منتهی به حرم (بازار عنصر پیونددهنده حریم) - خانه‌ها با ارتفاعی نسبتاً بلند - ساماندهی بافت شهری پیشین در طرح توسعه - هم‌جواری با دیگر آرامگاه‌ها - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - نشانه‌های حصار شهری در گذشته - توسعه و دگرگونی بافت پیرامون حرم در پاسخگویی به افزایش زوار - در نظر گرفتن حوزه مقدس و حیات شهری در طرح توسعه
شهر قدیم، سرتاسر تپه را فرا گرفته است. خانه‌ها بلند و کوچه‌ها تنگ است. بازار میان دو بارگاه قرار دارد. سابق بر این دور شهر حصار نیز بوده است که اینک دروازه‌ای به نام دروازه‌ی بغداد و آثاری از برج و بارو، از آن حصارها و دیوارها باقی است. در سال ۱۸۷۵ م، هجوم روزافزون زائران، ایجاد شهر جدیدی را در پای تپه مقدس ایجاب می‌کرد. نقشه آن را با خیابان‌های بزرگ و مستقیم عمود بر هم، و چندین ردیف رواق و غرفه در پیاده‌روها، طرح و تهیه گردیده است. «در این قسمت شهر، قهوه‌خانه‌ها، کاروانسراها، جایگاه‌های دلچیان، مدرسه‌ها، مسجد اهل تسنن و ساختمان‌های دولتی نیز پیش‌بینی شده است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۸۶-۳۸۵).	
برای زیارت «از کوچه بسیار تنگی که خاک غریبی داشت عبور افتاد» (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۲۵).	کاظمین - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - دگرگونی بافت پیرامون حرم در جهت پاسخگویی به افزایش زائران - در نظر گرفتن حیات شهری در طرح توسعه و هم‌پیوندی با طبیعت
«تعداد روزافزون زائران، به تدریج کاظمین را به صورت شهری کامل در آورد. رفت و آمد مکرر و دائمی زائران به کاظمین، موجب گردیده بازارها و کاروانسراهای شهر به قدر کافی توسعه یابند. اطراف ضریح را بازارها، خانه‌ها، و کاروانسراهایی احاطه کرده‌اند. سرتاسر اطراف شهر نیز پراز باغ‌هایی است» (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۷۲-۳۷۰).	
«سه خیابان در جهات مختلف از مقبره امام (ع) منشعب می‌شود که دو تنای آن‌ها وسیع، عریض و مشجر است» (بارنز، ۱۳۷۳: ۵۹).	مشهد - در نظر گرفتن حیات شهری در طرح توسعه و هم‌پیوندی با طبیعت - توسعه و دگرگونی بافت پیرامون حرم در جهت پاسخگویی به افزایش زائران - هم‌جواری با فضاهای آموزشی، مذهبی و اقامتگاهی - هم‌پیوندی با طبیعت
«در هر دو خیابان مدرسه‌ها و مساجد و کاروانسراهای بسیار عالی ساخته بوده‌اند. حال همان خود خیابان‌ها باقی است و بعضی از سنگ‌های کنار نهرها و پاره‌ای از درخت‌های چنار باقی است. عجب بنای ملو کانه‌ای بوده است. پاره‌ای از مدارس و مساجد و کاروانسراها هم برجاست» (سیف‌الدوله، ۱۳۶۳: ۳۱۸).	
«میان خیابانی که به صحن مرقد امام هشتم می‌رسید جویبار پاکیزه‌ای روان بود، و در دو سوی آن ردیف درختان توت و بید بلند و کوتاه کاشته بودند» (سوزوکی، ۱۳۹۳: ۶۴).	
«در اطراف این مقبره مقدس دکان‌های کوچک متعددی است» (دالمانی، ۱۳۵: ۱۰۹۱).	ری - هم‌جواری با بازار و فضاهای تجاری - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - هم‌جواری با فضاهای خدماتی و عام‌المنفعه
خانه‌ای که اجاره کردیم «قریب بازار چه نزدیک حرم مطهر است» (سیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۷۵).	
این زیارتگاه در عین حال گردشگاه مردم شهر نیز محسوب می‌شود و قصبه آن نیز «برای خود کاروانسراها، حمامها، و بازارهایی دارد» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۰۴).	

متون و مضامین قرائت شده	گزاره‌های استخراج شده
روضه و بقعه مبارک که شاه چراغ در وسط شهر است، که در جنب آن «بقعه سید میرمحمد و از حیاط صحن بقعه امامزاده تا صحن شاه چراغ بازار است و از شاه چراغ تا مسجد نو نیز بازار مستقیم است و صحن امامزاده و صحن حضرت شاه چراغ و بازارهای متصل به صحن کلا بست متظلمین است» (پیرزاده نائینی، ۱۳۴۲: ۷۵-۷۴).	شیراز - حرم در مرکز شهر - اتصال حرمین به واسطه بازار - بست به عنوان منطقه حائل و مفصل در هم جواری حرم
بخش عمده حصری که در پیرامون شهر وجود داشته، تخریب شده است (براون، ۱۳۸۱: ۱۹۹).	قم - شهر محاط در حصار - هم پیوند با طبیعت - هم جواری با بازار - حرم در مرکز شهر - هم جواری با آرامگاه‌ها - پیوستگی بافت مسکونی با حرم - هم جواری با مسجد
در نزدیکی پل سنگی رودخانه، مقبره‌ای واقع شده است، که از طرف مردم مقدس شمرده می‌شود و زیارتگاه عمومی است (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۳۵-۴۳۶).	
اهمیت شهر به واسطه حضور آرامگاهی است که در وسط آن است (شاردن، ۱۳۳۶: ۴۰۳). در پشت و کنار حرم، مزارات دیگر، محوطه‌های بسیار زیبا، عمارات بسیار تمیز و محفوظ و باغ‌های کم وسعت فوق العاده مصفاایی مشاهده می‌شود. در سمت چپ نیز گورستان بزرگی واقع است (همان: ۷۹).	
«بازارها وسیع و در همه جا خانه‌هایی با باغ‌های بزرگ به نظر می‌رسد» (دو گوینو، ۱۳۸۳: ۱۹۰).	
وارد بازارهای متعددی شده که آخرین آن منتهی به دروازه‌ای می‌گشت که بعد از آن به یک پل سنگی بزرگ روی رودخانه قم رسیده و چابارخانه نیز در همین جا واقع بود؛ که از بالای بام آن منظره شهر دیدنی بود، در وسط شهر، بیش از همه بنای آرامگاه حضرت معصومه و گنبد طلایی رنگ آن به چشم می‌خورد. [۰۰۰] قبور چند نفر از سلاطین قاجار و سلاطین سلسله‌های قبل از قاجار در جوار «بارگاه است» (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۳۸-۵۳۹).	
«چیزی که در تابستان و زمستان برای زوار حضرت معصومه (س) اسباب زحمت است، طی مسافت از مسجد امام حسن (ع) است تا آستانه مقدسه که تقریباً پانصد قدم می‌شود که یک طرف آن دکاکین [۰۰۰] است و یک طرف آن قبرستان است» (صفاء السلطنه نائینی، ۱۳۶۶: ۹۳).	
«در پایین مقبره باغ مشجری است که منزلگاه متولیان مقبره است. چون از بیرون به این باغ نظری انداختیم خیابان‌هایی را دیدیم که باغ را به قسمت‌هایی تقسیم کرده است» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۸۵۷).	
«در سمت راست خیابانی که به صحن مقدس منتهی می‌شد کوچه‌ای قرار داشت که تا ساحل رودخانه ادامه می‌یافت. در اطراف این کوچه خانه‌های کوچک متعددی بنا شده بود که معمولاً زائرانی که به زیارت می‌آمدند در آن‌ها اقامت می‌کردند (آنه، ۱۳۷۰: ۲۰۳-۲۰۲).	

مأخذ: تحلیل نگارندگان



نمودار شماره ۱: درصد فراوانی گزاره‌های استخراج شده از مضامین قرائت شده  
مأخذ: نگارندگان

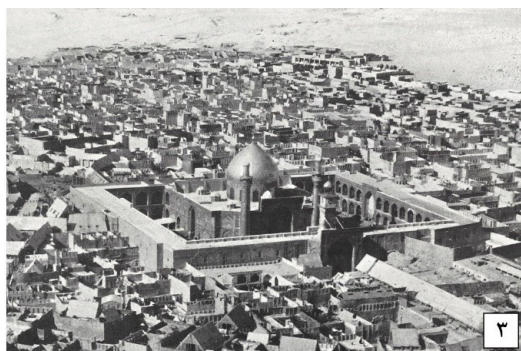
## بحث و تحلیل یافته‌ها

گزاره‌های استخراج شده از جدول (۲) بیانگر آن است که مکان مقدس در طی دوره‌های بررسی شده، به‌عنوان «نماد و شاخصه شهر زیارتی»، «تمایز از محیط پیرامونی» خود و «هم‌پیوند با منظر طبیعی» شهر بوده است. به سخن سنجیده‌تر و با توجه به درصد فراوانی‌های گزاره‌های استخراجی نمودار (۱)، یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در ساختار کالبدی حریم بصری، بُعد مکانی مکان‌های یادشده بوده، که بر قدرت، ایستایی و تمامیت آن‌ها تأکید داشته و این امر مؤکد آن است که شاخص‌های اماکن مذکور، ضامن بقاء و متمایزکننده آن‌ها در شهرهای زیارتی از سایر مکان‌ها بوده است (برمر، ۱۳۹۲، ۳۲). مطلب دیگر آنکه اگر چه ظاهراً «مکان مقدس در یکپارچگی مکان، گسیختگی‌ای به وجود می‌آورد» (الیاده، ۱۳۹۳، ۳۱)، اما در

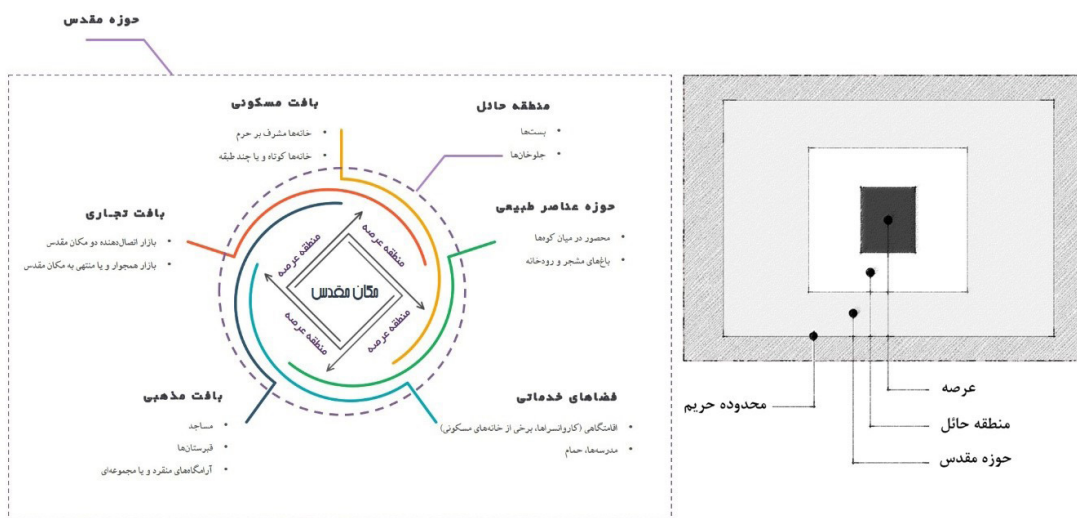
عین حال ساختار و هم‌جواری‌های این ابنیه با استناد بر گزاره‌های استخراج شده جدول (۳) و نمودار (۱)، گویای «تفکیک‌ناپذیری» و «انسجام یکپارچه» با آن‌ها بوده که با رعایت «سلسله‌مراتب فضایی» نسبت به عرصه و حریم این مکان‌ها، خود نقش به‌سزایی در ادراک عینی و ذهنی مخاطبان، اعم از ساکنین، زائران و بازدیدکنندگان می‌گذاشته است. (تصویر شماره ۳) و (شکل شماره ۱).

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش‌گفته در این پژوهش، مکان مقدس به‌عنوان مرکز مذهبی ضمن خلق تمامیت، یکپارچگی و پیوستگی انکارناپذیر در حکم سازه‌ای منسجم و نظام‌یافته با برپایی تقسیمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و توزیع



تصویر شماره ۳: مستندات عینی منطبق با گزاره‌های استخراج‌شده از جدول (۳) مبتنی بر یکپارچگی بافت پیرامون مکان مقدس: ۱- مسجد الحرام و اشراف بافت سکونتگاهی بر آن، دوره ناصری، ۲- حرم کاظمین و اتصال بازار و بافت مسکونی به آن، اواخر دوره قاجار، ۳- موقعیت قرارگیری بازار نسبت به حرم امیرالمؤمنین (ع) نجف، ۴- هم‌جواری بافت طبیعی و مسکونی با حرم شاه‌عبدالعظیم ری، اواخر دوره قاجار. مأخذ: (Snouck Hurgronje, 1888: I), (arquitecturayempresa.es), (architectural-review.com), (abdulazim.com).



شکل شماره ۱: ساختار کالبدی حریم مکان‌های مقدس و عناصر محیط پیرامونی، بر اساس یافته‌های بدست آمده از سفرنامه‌ها؛ مأخذ: نگارندگان

وابسته به این اماکن بوده، همواره به نوبه خود تأثیر شگرفی در چگونه نگریستن به مقوله حریم و تنظیم ضوابط آن در طی قرن‌های پنجم تا چهاردهم ه.ق، گذاشته است. براین اساس چنین استنباط می‌گردد که «ساختار معنایی حریم» مکان‌های یادشده تابعی از فرآیندهای مداوم و بهم پیوسته آیینی-مذهبی بوده و همواره با مدنظر قرار دادن و عنایت بر دیگر مؤلفه‌های مستور و مشهود ارزش‌های معنوی و ابعاد کالبدی و فراکالبدی، ساماندهی می‌گشته است.

در خاتمه با استناد بر متون و تصاویری که در این نوشتار ارائه گردید، ذکر این مطلب سودمند می‌نماید که بر طبق نگرش

همگون بخش‌های کارکردی در تعامل مستمر و کاملی با بافت شهر زیارتی عمل می‌کرده است. بنابراین مطابق آنچه در شکل (۱) ملاحظه می‌گردد، محدوده و «ساختار کالبدی حریم» ابنیه مذکور با رعایت سلسله‌مراتب، به ترتیب در سه مقیاس فضایی عرصه، منطقه حائل و حوزه مقدس قابل تشخیص و شناسایی بوده است. این شبکه به عنوان گستره‌ای هم‌پیوند و تفکیک‌ناپذیر نقش بسزایی در انسجام بُقاع متبرکه با محیط بلافصل خود داشته است. نکته دیگری که باید بر آن تأکید شود این است که آداب ظاهری و باطنی امر زیارت، رسوم و سنت‌های جاری که پدید آورنده و دربرگیرنده بخش بنیادین میراث ناملموس

اسلامی و خاصه تفکر شیعی، امر قدسی، امری تک و جهی، دربرگیرنده کالبد حرم‌های متبرکه نبوده، که بالعکس به‌طور متناوب احاطه‌کننده بخش پهناوری از شهر، منظر وابسته به آن و جمیع مشخصه‌های ملموس و ناملموس منتسب به آن‌ها تلقی گردیده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. طبق «قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی»، حریم بنا به «نواحی اطراف یک اثر فرهنگی، تاریخی، طبیعی ملی یا جهانی» اطلاق می‌گردد. این قانون که مشتمل بر هفده ماده و چهار تبصره است، در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲ تصویب و در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

2. Religious Heritage
3. Inherent Livingness
4. Eugene Aubin
5. Burckhardt
6. 1 Mile = 1/61 km.
7. Claude Anet
8. Albert Houtum-Schindler

### فهرست منابع و مراجع

۱. ابن بطوطه (۱۳۷۶)، سفرنامه ابن بطوطه، جلد اول، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ سپهر نقش، تهران.
۲. ابن جبیر، محمدبن احمد (۱۳۷۰)، سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۳. اعتمادالسلطنه، علی خان (۱۳۷۹)، سفرنامه حاج علی خان اعتمادالسلطنه، به‌اهتمام سیدعلی قاضی‌عسکر، نشر مشعر، تهران.
۴. الخياط، جعفر (۱۳۷۴)، «مکه از دیدگاه جهانگردان اروپایی (۱)»، ترجمه محمدرضا فرهنگ، میقات حج، شماره ۱۳، پاییز.
۵. الخياط، جعفر (۱۳۷۵)، «مدینه از دیدگاه جهانگردان اروپایی (۱)»، ترجمه محمدرضا فرهنگ، میقات حج، شماره ۱۷، پاییز.
۶. امیری، محمود (۱۳۸۴)، «حرم حضرت معصومه (س) از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی»، وقف میراث جاویدان، شماره ۵۲، زمستان.
۷. آنه، کلود (۱۳۷۰)، سفرنامه کلود آنه (گل‌های سرخ اصفهان: ایران با اتومبیل)، ترجمه فضل‌الله جلوه، نشر روایت، تهران.
۸. اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، ایران امروز، ایران و بین‌النهرین (سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران)، ترجمه علی اصغر سعیدی، چاپ نقش جهان، اصفهان.
۹. اوتر، ژان (۱۳۶۳)، سفرنامه ژان اوتر (عصر نادرشاه)، ترجمه علی قبادیانی. سازمان انتشارات جاویدان، تهران.
۱۰. اولتاریوس، آدام (۱۳۵۸)، سفرنامه آدام اولتاریوس: ایران

عصر صفوی از نگاه یک آلمانی، ترجمه احمد بهپور، ابتکار نو، تهران.

۱۱. بارنز، آلکس (۱۳۷۳)، سفرنامه بارنز: سفر به ایران در عهد فتح‌شاه قاجار، ترجمه حسن سلطانی‌فر، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد.
۱۲. بایندر، هانری (۱۳۷۰)، سفرنامه هانری بایندر (کردستان، بین‌النهرین و ایران)، ترجمه کرامت‌الله افسر. انتشارات فرهنگسرا، تهران.
۱۳. براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۱)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه، اختران، تهران.
۱۴. بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، جلد اول، ترجمه حسین کردبچه، اطلاعات، تهران.
۱۵. بروگش، هینریش (۱۳۷۴)، در سرزمین آفتاب (دومین سفرنامه هینریش بروگش)، جلد اول، ترجمه مجید جلیوند، نشر مرکز، تهران.
۱۶. بشیری، عباس؛ براتی، علی‌اکبر و پوررحیم، مریم (۱۳۹۳)، شرایط فنی و ضوابط قانونی انواع حریم در حقوق کاربردی ایران، انتشارات جنگل (جاودانه)، تهران.

۱۷. بemat، نجم‌الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمدحسین حلیمی، منیره اسلامبولچی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۸. بنجامین، س.ج.و. (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین‌شاه، ترجمه حسین کردبچه، سازمان انتشارات جاویدان، تهران.
۱۹. بیللی فریزر، جیمز (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر (معروف به سفر زمستانی، از مرز ایران تا تهران و دیگر شهرهای ایران)، ترجمه منوچهر امیری. انتشارات توس، تهران.
۲۰. پیرزاده نائینی، محمدعلی (۱۳۴۲)، سفرنامه حاجی پیرزاده، جلد اول، به کوشش فرمانفرمائیان، دانشگاه تهران، تهران.
۲۱. تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۳)، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، انتشارات کتابخانه سنائی، تهران.
۲۲. حسین‌زاده شانه‌چی، حسن (۱۳۸۹)، «سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۶، تابستان.
۲۳. حکمتی، شیوا (۱۳۸۱)، «انتظام شکل - کارکرد زمینه تحقق معنا کیفیت فضایی رابطه شکل / زمینه در معماری»، رساله دکتری، استاد راهنما: مهدی حجت، دانشگاه تهران.
۲۴. خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ (۱۳۷۵)، سفرنامه خانیکوف: گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۲۵. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری؛

- مشمول بر طرز زندگی، آداب و رسوم، اوضاع اداری، اجتماعی، اقتصادی، فلاحی و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ترجمه علی محمد فره‌وشی، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران.
۲۶. دانشپور، سید عبدالهادی؛ بهزادفر، مصطفی و رضایی ندوشن، محمد (۱۳۹۶)، «سلسله مراتب تشرف به اماکن مقدس در شهرهای تاریخی - مذهبی ایران نمونه موردی: شهر قم در دوران صفوی و قاجار»، شهر و معماری بومی، شماره ۶، پاییز و زمستان.
۲۷. دفتر فنی معاونت حفظ و احیاء (۱۳۷۹)، مجموعه پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی (دفتر سوم: ویژگی‌های تعیین‌کننده حریم آثار تاریخی در ایران)، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۲۸. دلاواله، پیترو (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه، شرح و حواشی از شعاع‌الدین شفاء، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.
۲۹. دوراند، سرتی مور (۱۳۶۴)، سفرنامه دوراند: سفر هیأت سرتی مور دوراند وزیر مختار انگلیس در ایران، ترجمه علی محمد ساکی، انتشارات کتابفروشی محمدی، خرم‌آباد.
۳۰. دو گوینو، آرتور (۱۳۸۳)، سفرنامه کنت دو گوینو: سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر قطره، تهران.
۳۱. دو هوسه، لویی امیل (۱۳۵۴)، سفری به ایران (مجموعه‌ای از نقاشی‌های لویی امیل دو هوسه از مناظر و مردم ایران ۱۲۳۸-۱۲۳۶)، ترجمه منوچهر فرمانفرماییان، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۳۲. دیگانس، جاستین (۱۳۹۲)، «زیارت دینی و سکولار» در گردشگری، دین و سفرهای معنوی، ترجمه محمد قلی‌پور و احسان مجیدی فرد، جامعه‌شناسان، تهران.
۳۳. ریچاردز، فرد (۱۳۷۹)، سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
۳۴. سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۳۶)، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس (ده هزار میل در ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات کتابخانه ابن‌سینا، تهران.
۳۵. ستاری فرد، شهرام (۱۳۹۴)، «بررسی نقش مراکز مذهبی در افزایش سرزندگی شهرهای معاصر؛ مطالعه موردی: محدوده امامزاده صالح تجریش»، مدیریت شهری، شماره ۴۰، پاییز.
۳۶. سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی خان (۱۳۶۲)، سفرنامه سدیدالسلطنه: التدقیق فی سیرالطریق، انتشارات به‌نشر، تهران.
۳۷. سرنا، کارلا (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلا سرنا: آدمها و آیین‌ها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، چاپ نقش جهان، اصفهان.
۳۸. سروقدی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، «شهر قم در سفرنامه‌ها و متون تاریخی»، وقف میراث جاویدان، شماره ۱۰، تابستان.

۳۹. سوزوکی، شین‌جو (۱۳۹۳)، سفرنامه شین‌جو سوزوکی: پیاده‌گردی راهب بودائی ژاپنی در شمال و شرق ایران، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئەاورا، انتشارات طهوری، تهران.
۴۰. سیف‌الدوله، سلطان محمد (۱۳۶۳)، سفرنامه مکه، به تصحیح و تحشیه علی‌اکبر خداپرست، نشر نی، تهران.
۴۱. شاردن، ژان (۱۳۳۶)، دائرةالمعارف تمدن ایران: سیاحت‌نامه شاردن (جلد سوم: روابط بین‌المللی و جغرافیای تاریخی ایران)، ترجمه محمد عباسی، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران.
۴۲. شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شیل: همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، ترجمه حسین ابوترابیان، نشر نو، تهران.
۴۳. صادقی، محسن (۱۳۸۲)، «حضرت عبدالعظیم (ع) و شهرری در سفرنامه‌ها»، آینه پژوهش، شماره ۸۰، خرداد و تیر.
۴۴. صفاءالسلطنه نائینی، میرزا علی‌خان (۱۳۶۶)، گزارش کویر: سفرنامه صفاءالسلطنه نائینی (تحفة الفقرا)، به اهتمام محمد کلبن، انتشارات اطلاعات، تهران.
۴۵. طیبی، سید محمد (۱۳۸۹)، «بست و بست‌نشینی در دوره قاجاریه (تا انقلاب مشروطه)»، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲۳، پاییز.
۴۶. عبدالرئوف بخاری، میرزا سراج‌الدین (۱۳۶۹)، سفرنامه تحف اهل بخارا، انتشارات بوعلی، تهران.
۴۷. عضدالملک، علیرضا (۱۳۷۰)، سفرنامه عضدالملک به عتبات، به اهتمام حسن مرسلوند، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، تهران.
۴۸. علی صوفی، علیرضا و زاور، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۳۲، بهار و تابستان.
۴۹. فاطمی، شیما سادات (۱۳۹۳)، «نگرشی بر اماکن مقدسه و متبرکه و آداب زیارت از نگاه سیاحان اروپایی دوره قاجار (۱۳۴۴ - ۱۲۱۰ ه.ق.)»، روزگاران، شماره ۱۲، تابستان.
۵۰. فراهانی، محمدحسین (۱۳۶۲)، سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، به اهتمام مسعود گلزاری، انتشارات فردوسی، تهران.
۵۱. فصیحی، سیمین و طیبی، صفورا (۱۳۹۴)، «بررسی حیات مذهبی شیراز عصر قاجار به روایت سفرنامه‌های اروپایی»، تاریخ پژوهی، شماره ۶۳، تابستان.
۵۲. فلاح مهنه، فاطمه (۱۳۹۰)، «مزارات و مقابر ایران و عراق به روایت سفرنامه‌های اروپاییان از آغاز عصر صفوی تا پایان قاجار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عبدالله همتی گلپان، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵۳. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۱)، اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی، نشر فضا، تهران.
۵۴. فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۴)، حریم‌گذاری بر ثروت‌های فرهنگی ایران، نشر فضا، تهران.
۵۵. فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه

شرح معماری اسلامی ایران، سروش: انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (دانشگاه شهید بهشتی)، تهران.  
۷۲. نوردن، هرمان (۱۳۵۶)، زیرآسمان ایران، ترجمه سیمین سمیعی، دانشگاه تهران، تهران.  
۷۳. وننگ، دیوید (۱۳۸۳)، «تحقیق تفسیری - تاریخی در معماری»، ترجمه مهرداد قیومی، صفة، شماره ۳ و ۴، تهران.  
۷۴. ویشارد، ژان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، موسسه انتشارات نوین، تهران.  
۷۵. الیاده، میرچا (۱۳۹۳)، مقدس و نامقدس، ترجمه نصرالله گنجی، سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران.  
۷۶. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، سفرنامه کلنل بیت به ایران و افغانستان، ترجمه مهرداد رهبری و قدرت الله روشنی، نشر یزدان، تهران.

77. Bianca, Stefano (2000), **Urban form in the Arab world: Past and present**, Vol. 46, vdf Hochschulverlag AG.  
78. Burckhardt, John Lewis (1829), **Travels in Arabia: Comprehending an account of those territories in Hedjaz which the Mohammedans regard as sacred**, Vol. 1&2, Routledge, London.

حسین نور صادقی، انتشارات اشراقی، تهران.  
۵۶. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا: سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، نشر نو، تهران.  
۵۷. قاضیها، فاطمه (۱۳۸۷)، «قم از نگاه ناصرالدین شاه و سیاحان فرنگی معاصر او»، گنجینه اسناد، شماره ۷۲، زمستان.  
۵۸. قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۳۵)، سفرنامه ابومعین حمیدالدین ناصرین خسرو قبادیانی مروزی، به اهتمام محمد دبیر سیاقی، انتشارات کتابفروشی زوار، تهران.  
۵۹. قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۷)، «تاریخچه بست و بست نشینی در مشهد»، مشکوه، شماره ۶۰ و ۶۱، پاییز و زمستان.  
۶۰. کلانتری خلیل آباد، حسین؛ مبینی، حسین و حقی، مهدی (۱۳۹۳)، «میزان انطباق ساختار اصلی شهر مشهد با تصویر ذهنی زائران»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۷، پاییز.  
۶۱. کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران (جلد دوم)، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.  
۶۲. کمیلی، محمد (۱۳۹۸)، «تحلیل شاخص های ارزیابی پیاده راه های مذهبی حرم حضرت معصومه (س)»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۳۵، بهار.  
۶۳. کورف، بارون فنودور (۱۳۷۲)، سفرنامه بارون فنودور کورف (فوت فتحعلی شاه، به سلطنت رسیدن محمد میرزا و سقوط قائم مقام)، ترجمه اسکندر ذبیحیان، انتشارات فکر روز، تهران.  
۶۴. لوتی، پیر (۱۳۷۲)، به سوی اصفهان، ترجمه استاد بدرالدین کتابی، انتشارات اقبال، تهران.  
۶۵. ماساها رو، یوشیدا (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماساها رو، ترجمه هاشم رجب زاده، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.  
۶۶. مدنی پور، علی (۱۳۸۷)، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.  
۶۷. مک گرگور، کلنل سی. ام. (۱۳۶۶)، شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان (جلد اول)، ترجمه مجید مهدی زاده، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، مشهد.  
۶۸. میثاقی، سید محمود و روحانی قادیکلانی، محسن (۱۳۹۳)، «اصول سازماندهی فضایی بافت های شهری برخوردار از عناصر شاخص مذهبی؛ مطالعه موردی: امامزاده عباس ساری و امامزاده اسماعیل قائمشهر»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۵، بهار.  
۶۹. ناصرالدین شاه (۱۳۶۲)، سفرنامه ناصرالدین شاه به کربلا و نجف، انتشارات کتابخانه ثنائی، تهران.  
۷۰. ناصرالدین شاه (۱۳۷۲)، شهر یار جاده ها: سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات، به اهتمام محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، تهران.  
۷۱. نوایی، کامبیز، و حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۰)، خشت و خیال:

79. Dieulafoy, Jane (1887), **La Perse, la Chaldée et la Susiane: relation de voyage**, Librairie Hachette. Paris.
80. Gopalakrishnan, P and Tadepalli, Srinivas (2014), **Viewscape Assessment Framework for Protecting the Views of Sacred Monuments: Comparative Study of Srirangam and Thanjavur Religious Towns**.
81. ICOMOS (2008), **International Day for Monuments and Sites: Religious Heritage and Sacred Places**, 18 April, [http://www.icomos.org/18thapril/2008/18\\_april\\_calendar\\_events.pdf](http://www.icomos.org/18thapril/2008/18_april_calendar_events.pdf) (accessed January 25, 2016).
82. Kumar, Sarvesh and Singh, Rana PB (2017), "Ayodhya (India): a study of Ritual Landscapes", **Practicing Geographer**, 71-84.
83. Levi, Daniel and Kocher, Sara (2011), "Cross-cultural perspectives toward historic sacred places", **Focus**, 8(1). 22-26.
84. Niebuhr, Carsten (1780), **Voyage en Arabie & en d'autres Pays circonvoisins**, Vol. 2, chez SJ Baalde.
85. Niglio, Olimpia (2018) "Sacred Landscape for a Global Approach", **Almatourism Journal of Tourism**, Culture and Territorial Development.
86. Snouck Hurgronje, Christiaan (1888), **Bilder-Atlas zu Mekka**, Martinus Nijhoff.
87. Wijesuriya, Gamini (2005), "The Past is in the Present", In Conservation of living religious heritage, 30-43. ICCROM.
88. **URL1:** <https://www.abdulazim.com>.
89. **URL2:** <https://www.architectural-review.com/essays/archive>.
90. **URL3:** <https://www.arquitecturayempresa.es/noticia/rehabilitacion-de-al-kadhimiya-por-dewan-architects>.



## A Review of the Semantic and Physical Structure of Sacred Places Inviolable Zone

Based on Works of Travel Literatures written from the fifth to the fourteen centuries A.H

**Nasim Asgari**

Ph.D. Candidate of Conservation of Historic Monuments, Department of Conservation of Historical Monuments, College of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Iran

**Shahriar Nasekhian** \*(Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Conservation of Historical Monuments, College of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Iran

\* E-Mail: s.nasekhian@au.ac.ir

**Mohammad Saeid Izadi**

Assistant Professor, Department of Urban Planning, College of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

### Abstract:

In Islamic teachings, especially the Shia school of thought, the sanctity of every element is dependent on the divine essence; the closer the element's attachment, the higher its sanctity. For this reason, the places of worship and sites of pilgrimage cities have for long been revered, attracting those seeking spirituality. It's unfortunate that in recent times, overlooking the sanctity of sacred places, also called Inviolable Zones (Ha'rim), has led to the disturbance of integrity in the surrounding area and the distortion of the authenticity of these monuments, often with the excuse of urban development and on occasion for facilitating the pilgrimage itself. Undoubtedly, considering and reviewing related documents such as works of travel literature even if in an overall format, can provide a useful framework for the reconsideration of such destructive activities.

This research is an effort to examine the semantic and physical structure of the inviolable zone of sacred places by relying on interpretive-historical methods with the inductive approach. It will discuss here, the contexts, literature and illustrated images of 48 pieces of travel literature dating back to fifth to the fourteenth centuries AH. It concludes that these sacred places have been perceived as "symbols and indications of a pilgrimage city" and were "individual and unique in their surrounding area" with due respect for their "integrated cohesion," while preserving their interaction with the surrounding residential, commercial, educational, and other functions. Such structures were given the "spatial hierarchy" of the unique urban systems in which they were located. The conclusion explains the respect and sanctity regarding both physical and metaphysical aspects while conserving all tangible and intangible elements of the typology of religious heritage throughout the aforementioned era.

The physical structure of the inviolable zone of these sacred places can be divided into three different scales: the core zone, the buffer zone and the sacred precinct which indicates that the holy shrines were not only limited to their surroundings but were deemed to emanate sanctity to the entire city. Finally, it should be considered that traditions, rituals and religious values play an active role in creating the semantic structure of the surrounding inviolable zone.

**Keywords:** Religious Heritage, Sacred Place, Inviolable Zone (Ha'rim), Core Zone, Buffer Zone.